



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان مقاله: خوانش تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس

۱. وفاء محفوظی موسوی، دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب دانشگاه فردوسی مشهد^۱

۲. دکتر سید حسین سیدی (نویسنده مسئول)، استاد دانشگاه فردوسی مشهد^۲

۳. دکتر امیر مقدم متقی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد^۳

چکیده

یکی از جلوه‌های زیبا و باشکوه قرآن کریم، آن است که از همه روش‌ها از جمله تصویرپردازی برای پویایی مفاهیم و حقایق بهره می‌گیرد و از واژگان جامد و بی‌روح، تصاویری زیبا و بدیع می‌آفریند. قرآن کریم، با ترسیم چشم‌اندازها، حالات نفسانی و روحی، در اعماق روح مخاطب نفوذ کرده، خیال، اندیشه و وجدان او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مفهوم قیامت از مفاهیم انتزاعی مهم در قرآن کریم است که همواره از سوی پژوهشگران کنکاش شده است. در این جستار بر آن هستیم تا با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی، تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس را واکاوی کنیم و به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که جلوه‌گری تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس به چه صورت است و کارکرد این تصاویر کدامند و بسامد آنها چگونه است؟ بسامد تصاویر حسی بیشتر است یا انتزاعی؟ دستاورد حاصل نشان می‌دهد که تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس در عناصر تصویری همچون مجاز، کنایه، استعاره، تجسیم و ... جلوه می‌یابد و کارکرد این تصاویر به صورت کارکرد هنری، روانی، عقلانی و دینی است که بسامد این کارکردها، کارکرد هنری است؛ همچنین، بسامد تصاویر حسی بیشتر است.

کلمات کلیدی: سوره عبس، تصویر، قیامت، کارکرد تصویری.

^۱ va.mahfouzimousavi@mail.um.ac.ir

^۲ seyedi@Ferdowsi.um.ac.ir

^۳ a.moghaddam@ferdowsi.um.ac.ir



ششمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

۱- مقدمه

تصویرپردازی، یکی از جلوه‌های هنری است که معانی و مفاهیم والا را در قالب الفاظ و عبارات و به شیوه‌های گوناگون ترسیم می‌کند. تصویر، صرفاً به زبان ارتباط ندارد که اساس واژگان است و همچنین با خیال، اندیشه، عاطفه، موسیقی و عناصر بلاغی ارتباطی تنگاتنگ دارد. قرآن کریم که متنی ادبی است، سازوکارهای زبان ادبی را به کار برده است که یکی از آنها تصویر است. تصاویر قرآنی آنچنان هنرمندانه ترسیم شده‌اند که بر ذهن و احساس مخاطب تأثیر گذاشته، مفهوم موردنظر را به‌خوبی تبیین می‌کند. مفهوم قیامت یکی از مفاهیم انتزاعی مهم قرآن کریم است که در سراسر این کتاب مقدس و به‌ویژه در جزء سی قرآن کریم به آن پرداخته شده است. خداوند متعال، با به تصویر کشیدن مفهوم قیامت در قالب عناصر گوناگون، هدف دینی خود را به مخاطب القا می‌کند. همچنین، تصویر معنای حسی و انتزاعی از جمله مواردی است که قرآن کریم برای تبیین مفهوم قیامت از آنها بهره برده است و سبب تأثیرگذاری هرچه بیشتر در اندیشه، وجدان و خیال مخاطب شده است. سوره عبس یکی از سوره‌های جزء سی قرآن کریم است که محور آن قیامت و معاد است. در این جستار تلاش شده تا تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در این سوره واکاوی شود تا درک و فهم آنها برای مخاطب ملموس‌تر و محسوس‌تر شود.

۱-۱- پرسش‌های پژوهش

۱. جلوه‌گری تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس چگونه نمود می‌یابد؟
۲. بسامد تصویر معنای حسی بیشتر است یا انتزاعی؟
۳. کارکرد تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس کدامند و بسامد آنها چگونه است؟

۲-۱- فرضیه پژوهش

۱. جلوه‌گری معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس با استفاده از عناصر تصویری نمود می‌یابد.
۲. بسامد تصاویر معنای حسی بیشتر است.
۳. کارکرد تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس، دینی، روانی، هنری و عقلانی است و بسامد آنها مختلف است.

۳-۱- پیشینه پژوهش

جنبه‌های زیباشناختی قرآن همواره مورد اهتمام قرآن‌پژوهان بوده است؛ هرچند که بحث تصویرپردازی هنری قرآن، سابقه طولانی ندارد و بیشتر به دهه‌های اخیر باز می‌گردد. مصطفی صادق‌الرافعی در کتابی با عنوان «إعجاز القرآن و البلاغة النبویة» دیدگاه موسیقایی و هنری قرآن را مطرح کرد. سید قطب از پیشگامان مباحث زیباشناسی قرآن کریم در عصر حاضر، در کتاب‌های «التصویر الفنی فی القرآن الکریم» و «مشاهد القیامة فی القرآن» تصویرپردازی هنری قرآن و محمد قطب عبدالعال در کتاب «من جمالیات التصویر فی القرآن الکریم» جنبه‌های زیباشناختی تصویر در قرآن را بررسی نموده‌اند. محمدحسین علی‌الصغیر در کتاب «الصورة الفنية فی المثل القرآنی» زبان تصویری در امثال قرآن را واکاوی نموده است. عبدالسلام احمد الراغب در کتاب «وظيفة الصورة الفنية فی القرآن الکریم» کوشیده است با تقسیم‌بندی کارکردهای نزدیک و دور تصویر هنری، دیدگاهی جدید ارائه دهد و با ذکر نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم، عنصر تصویر و کارکردهای آن را واکاوی نماید. سید حسین سیدی در کتاب «زیبایی‌شناسی آیات قرآن» با بیان دیدگاه‌های دانشمندان غربی و اسلامی درباره‌ی زیبایی‌شناسی، مفاهیم زیباشناختی و مؤلفه‌های نقد جدید و تصاویر و بافت‌ها را بررسی نموده است. علاوه بر کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی در این زمینه نگاشته شده است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

- ۱- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «رساله تحلیل تصاویر دیداری شنیداری پس از مرگ در قرآن (رستاخیز- بهشت- دوزخ) در جزء سی‌ام قرآن» (۱۳۹۰) نوشته بتول قربانی بن‌توت، دانشگاه کاشان، تصاویر دیداری و شنیداری پس از مرگ در جزء سی‌ام را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که تکیه تصاویر جزء سی بر تصاویر دیداری است زیرا این تصاویر در بیان مسائل، کارآیی بیشتری دارند. این پایان‌نامه، آیات مربوط را از زوایه همه حواس پنجگانه مورد بررسی قرار نداده است.
 - ۲- پایان‌نامه کارشناسی ارشد «معناشناسی آوایی الفاظ توصیفی قیامت در قرآن کریم» (۱۳۹۵)، نوشته وحیده اندرخور، دانشگاه یاسوج، الفاظ توصیفی قیامت را از منظر آوایی بررسی و کارکرد آوایی واژگان در القای معنای قرآن کریم را واکاوی کرده است.
 - ۳- مقاله «هنر تصویرآفرینی در اسما قرآنی قیامت» (۱۳۹۷) از محمدحسن رستمی و سید مرتضی حسینی شیرگ، در پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۹، شماره ۳۴ که به بیان وقایع طبیعی قیامت، ذکر حالات جسمی و روحی انسان در قیامت در قالب اسما قیامت و با بهره‌جستن از هنر تصویرآفرینی پرداخته‌اند.
 - ۴- مقاله «خوانش تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره انشقاق» (۱۴۰۰) از نگارنده و سید حسین سیدی و امیر مقدم متقی، مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۵، شماره ۳، که عناصر تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت را در این سوره بررسی کرده و کارکرد آنها و میزان بسامد آنها را تبیین نموده‌اند.
- با توجه به آثار ذکر شده، پژوهشی با عنوان «تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس» انجام نشده است لذا انجام این پژوهش، جهت شناساندن عناصر زیباشناسانه تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت و تبیین و تفسیر هرچه بهتر آیات مربوط به قیامت در این سوره ضروری به نظر می‌رسد.

۲- مبانی پژوهش

در ابتدا مفاهیم لغوی و اصطلاحی تصویر را بیان می‌کنیم، سپس به تعریف تصویر قرآنی می‌پردازیم و در ادامه به تعریف تصویر حسی و انتزاعی می‌پردازیم:

۱-۲- تعریف لغوی و اصطلاحی تصویر

واژه «الصورة» اسم مصدر از فعل رباعی است که مصدر آن به شکل قیاسی در صیغه «التصویر» وارد شده است. «صورت یا تصویر یعنی شکل که جمع آن صُور و صَوْر است. صورت یا تصویر به معنای نوع و صفت هم به کار می‌رود» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶).

اصطلاح تصویر یا ایماژ (Image) از دیرباز در متون بلاغی مطرح بوده است. جاحظ از ناقدان قدیم، تصویر را اصطلاحاً اینگونه تعریف کرده است: «معانی پیش پا افتاده است و عرب و غیرعرب، متمدن و غیرمتمدن آن را می‌شناسند... آنچه که مهم است، چگونگی و انتخاب لفظ، و راحتی بیان و درستی طبع و خوبی سبک است که در این صورت شعر، صنعت (هنر) و گونه‌ای از بافت و نوعی از تصویر است.» (جاحظ، ۱۴۱۸) ابن طباطبا از «تصویر» در هنگام بیان تشابه لفظ و معنی یاد می‌کند. «ادب را آن معانی بلندی می‌داند که در لباسی از الفاظ محکم و بلند جای می‌گیرد و الفاظ در آن نیکو می‌شود و در غیر آن قبیح. و چه بسیار از معانی زیبایی که با الفاظ تباه می‌شود و چه بسیار الفاظ زیبایی که به وسیله معانی قبیح به ابتذال کشیده می‌شود.» (ابن طباطبا العلوی، ۱۹۵۶) «تصویر» از دیدگاه ناقدان جدید همچون سید قطب «ابزار خاص و برتر در اسلوب بیانی قرآن است. او دوگونه تصویر در قرآن یافت: تصویرهای حسی و تصویرهای خیالی. تصویرهای حسی همان تصویرهای برگرفته از حواس‌اند و تصویرهای خیالی، تصویرهایی هستند که قوه خیال به تأمل در آن و تحقیق در ساخت‌های هنری آن می‌پردازد. چنانکه تصویر را قاعده بیان در قرآن قرار داد و تخیل حسی را قاعده تصویر.» (الراغب، ۱۳۸۷) همچنین گفته شده «استفاده از کلمات و جملات، با نظم دقیق و به شیوه‌ای لطیف و هنری



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

است طوری که معنا و مفهوم خاصی را در قالب حقیقتی زنده مجسم ارائه کند و ضمن برانگیختن خیال و احساسات مخاطب، فکر و پیام خاصی را نیز به وی منتقل کند، یا به تعبیر ساده و موجز، تصویر یعنی پرده‌برداری از معانی با تعبیری زنده و احساس-برانگیز. (علی الصغیر، ۱۴۱۲) از این کلام روشن می‌شود که علی الصغیر، به لفظ و معنا هر دو توجه داشته، ضمن اینکه اندیشه و فکر خاصی را با برانگیختن احساسات مخاطب به وی منتقل می‌کند.

۲-۲- تصویر قرآنی

تصویرگری هنری در قرآن کریم از آن حیث که کلام خداوند است، همواره با حقیقت پیوند دارد حال اینکه خیال به‌ویژه در دوره‌های گذشته همواره با وهم آمیخته بوده است. (غنیمی هلال، ۲۰۰۵) ادیبان درباره تصویر قرآنی، دیدگاه‌های گوناگونی دارند که در این پژوهش، به ذکر چند مورد از آنها اکتفا می‌شود؛ خالدی بر این نظر است که «تصاویر قرآنی در جزئیات تصویر و چشم‌انداز صحنه‌ها باهم متناسق و هماهنگ هستند، واژگان و جملات، تصاویر و سایه آنها، ایقاع و الهام آیات، همه بر این هماهنگی دلالت دارند.» (خالدی، ۱۴۲۱) همچنین گفته شده: «گرایش به محسوس یکی از مهم‌ترین عناصر تصویر قرآنی است. ابزار تصویر هنری در قرآن کریم عبارت از تجسیم، تشخیص، صحنه‌های طبیعی و به‌کارگیری واژگانی است که بر حرکت متناسب با محتوا دلالت دارند.» (یاسوف، ۱۳۸۸)

۲-۳- تصویر حسی و انتزاعی

در تعریف تصویر حسی می‌توان گفت «واژه‌هایی که بر اشیاء واقعی و محسوس دلالت دارند، عینی و حسی‌اند.» (فتوحی رومعینی، ۱۳۹۵: ۲۵۱) بعضی از تصاویر قرآنی کاملاً ملموس هستند و با یکی از حواس پنجگانه قابل درک هستند که تصاویر حسی نامیده می‌شوند. قرآن کریم با توصیف بعضی از امور حسی، پیام خود را به مخاطب می‌رساند. مانند آیه «إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (الانشقاق/۱)».

در تعریف تصویر انتزاعی نیز می‌توان گفت «واژه‌هایی که بر عقاید، کیفیات، معانی و مفاهیم ذهنی دلالت دارند، انتزاعی‌اند.» (فتوحی، ۱۳۹۵) تصاویر انتزاعی یا ذهنی با حواس پنجگانه قابل لمس نیستند؛ مانند «السَّرائِرُ» در آیه «يَوْمَ تُبْلَى السَّرائِرُ (الطارق/۹)»، که ملموس نیستند و با حواس پنجگانه درک نمی‌شوند.

۲-۴- معرفی اجمالی سوره عبس

سوره عَبَسَ هشتادمین سوره قرآن و از سوره‌های مَكِّي که در جزء سی‌ام قرآن جای گرفته است. این سوره را «عَبَسَ» می‌نامند چون با کلمه عَبَسَ به معنای «چهره در هم کشید» آغاز شده است. سوره عبس درباره ارزش و اهمیت قرآن، ناسپاسی انسان در برابر نعمت‌های پروردگارش و حوادث تکان‌دهنده قیامت و سرنوشت انسان‌ها در آن روز سخن می‌گوید. در آیات ابتدایی این سوره خداوند کسی را که با فرد نابینا با ترشروی بر خورد کرد، توبیخ می‌کند. درباره اینکه فرد توبیخ‌شده، پیامبر(ص) بوده یا دیگری، بین مفسران اختلاف است.

علامه طباطبایی بر این نظر است آیات این سوره دلالت روشنی ندارند که مراد از آن شخص عتاب شده، پیامبر(ص) باشد، بلکه شواهدی وجود دارد که می‌رساند منظور، فرد دیگری است؛ مانند اینکه پیامبر(ص) حتی با کفار نیز عبوس نبود چه برسد با مؤمنان. ضمن آنکه خداوند در سوره قلم که پیش از سوره عبس نازل شده، اخلاق پیامبر(ص) را عظیم شمرده است. همچنین پیش از این در



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

آیات بسیاری به پیامبر دستور داده بود در برابر مؤمنان متواضع باشد و اعتنایی به زرق و برق دنیا نکند. علاوه بر این ترشروی به فقرا از نظر عقلی قبیح است و ممکن نیست از پیامبر سر بزند. (الطباطبایی، ۱۴۱۷)

۳- روش تحقیق

ابزار تحقیق، کتابخانه‌ای و روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است؛ ابتدا با جستجوی منابع، آیات مربوط به قیامت در سوره عبس را مشخص کرده، به فیش‌برداری مطالب پرداختیم و سپس آنها را براساس عناصر تصویری تحلیل کردیم.

۴- پردازش و تحلیل

برای بررسی و تحلیل آیات موردنظر، ابتدا آیات را گردآوری کرده، سپس با توجه به نوع آرایه به کتب لغت و تفسیر و نیز کتب بلاغت مراجعه کرده، تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت را در سوره عبس واکاوی نمودیم.

۳-۱- موسیقی

عرضه‌کردن بخش‌ها و آیات این سوره - بدین شیوه تند و شتابان - به حس و شعور انسان، آهنگ‌های بسیار مؤثری می‌افکند - این آهنگ‌ها تا بدان اندازه نیرومند و ژرف هستند که به محض پسودن دل، کار خود را می‌کنند و آن را دگرگون می‌سازند. (قطب، ۱۳۸۷ش) درواقع، موسیقی ناشی از حروف و واژگان تأثیر به‌سزایی در پویایی تصاویر و تجسم معنا در ذهن مخاطب دارد. زیرا «اصوات موجود در الفاظ، دلالت‌ها و معانی خاصی دارند که خواننده را از دانستن معنی لغوی کلمات بی‌نیاز می‌کند یعنی بی‌آنکه شخص معانی کلمات را بداند، تنها از طریق آواهای به‌کار رفته در آن کلمات، می‌تواند مفهوم را درک کند یا حدس بزند.» (رجایی، ۱۳۸۲) در توضیح واژه «الصَّائِحَةُ» در آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّائِحَةُ (۳۳)»، چنین آمده: الصاد و الخاء، اصلی است که بر صوتی از اصوات دلالت می‌کند. از آن موارد صاخه است که صیحه‌ای است که گوش‌ها را کر می‌کند. (ابن فارس، ۱۳۹۹: ج ۳، ماده صخ). صاخه، واژه‌ای فخیم و دارای تلفظی سنگین است و در موارد شدت و خشونت استفاده می‌شود. همچنین «کشش لفظ صاخه، تصور رانده‌شدن مجرمین به جهنم را در ذهن تداعی می‌کند. وجود حرف خاء، بر شدت حادثه افزوده است. بنابراین شدت و قوت لفظ بر شدت و قوت معنا دلالت می‌کند.» (اندرخور، ۱۳۹۵) همچنین گفته شده «این واژه که در آیه اول آمده است به معنی فریادی سخت و شکافنده و فرورونده است. با شنیدن آن گوئی (نزدیک است پرده‌های گوش را پاره کند). این فریاد آن‌چنان مهیب و گیرا است که هوا را به-سختی می‌شکافد و با تمام آهنگش به گوش‌ها می‌رسد، چنین صدایی وحشت‌زا، طلیعه دورنمای هول‌انگیز قیامت است.» (قطب، ۱۴۰۶) انسان معمولاً با شنیدن صدای مهیب، ناخودآگاه ترس و وحشت وجودش را فرا می‌گیرد؛ لذا آهنگ واژه با فضای تصویر کاملاً هماهنگ است. به عبارتی «تصویر شنیداری مانند نقاشی نیست که در ترسیم ابزار مادی نقاشی و در نمایش آن به نور و روشنایی نیاز داشته باشد، بلکه انتقال تصویر شنیداری از طریق گفتار و حس شنوایی است، حسی که دامنه کاربرد و کارایی آن به مراتب بیشتر از حس بینایی گسترده‌تر است و برای بهره‌گیری از آن رویارویی با تصویر ضرورت ندارد.» (اقبال، ۱۳۸۸)

در آیات «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴) وَ أُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵) وَ صَاحِبَتِهِ وَ بَيْنِهِ (۳۶)» هاء مهموس رخوه است. صفت حرف، یأس و غمگینی است. اهتزاز و اضطراب و عیوب اخلاقی و نفسی و عقلی، تهکم و استهزا حتی به صورت پنهان، ضعف (صفت رقه و مخفف)، ناسزا و استهجان و عوام‌فریبی (صفت شدید بودن)، ترس و وحشت معانی کلمات دارای «هاء» هستند. (عباس، ۱۹۹۸) همچنین «وحشت در این صحنه کاملاً درونی است، نفس به ترس واداشته می‌شود و او را از پیرامون خودش غافل می‌سازد و کاملاً بر او چیره می‌شود و هر نفسی به اندازه کافی نگرانی و آشفتگی دارد که هیچ تلاشی فراتر از آن برنمی‌آید: لکل امریء منه شئ»



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

یغنیه (العبس/۳۷) «(عبداللہ، ۱۳۹۵) در واقع «هول و هراسی که در این صحنه است، هول و هراس روانی صرف است که نفس انسان را به ترس و لرز می‌اندازد و از اطراف خودش جدا می‌سازد، هر کس به خود مشغول و در اندیشه کار خود است.» (قطب، ۱۴۲۵ق) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به صفات حروف به کار رفته در آیات فوق، اضطراب و ترس و وحشت کاملاً ملموس است و این همان کارکرد روانی آیات است. در این آیات، از طریق هم وزن و قافیه‌بودن فاصله‌های آیات (أخیه، أبیه، بنیه) ریتم موسیقایی متناسب با صحنه عذاب را ترسیم نموده و به تبع آن هماهنگی هنری را به نمایش گذاشته است که خود گواه کارکرد هنری تصویر این آیات است.

همچنین در آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)» لحن این دو آیه و حرکات آنها که از نکره منون و مضمون آغاز شده و به کسره و تاء منتهی می‌شود، حرکت و شکفتگی ناگهانی را می‌نمایاند که از درون و باطن انسان سرچشمه می‌گیرد. (طالقانی، ۱۳۶۲) در آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْنَهَا غَبْرَةٌ (۴۰) تَرَهْقُهَا فِتْرَةٌ (۴۱)» که با فتحه و تاء پایان یافته، چهره‌های زبون و اندوهگین و ناامیدی را در برابر چشم تصویر می‌کند که شعله حیات آن خاموش شده و گرد و غبار و دود محیط خودساخته آنها را گرفته و فرسوده کرده. (همان) به عبارتی، فاصله‌ها موجب فهماندن معنا شده‌اند و بر جان و روان تأثیر گذاشته‌اند. بنابراین کارکرد فاصله «تنها ریتم هنری نیست بلکه با معنا هم تناسب دارد و به وضوح و روشنی آن می‌افزاید و با بافت هم سازگاری دارد، چنانکه در پایان بافت و از خلال ریتم موسیقی ویژه معنا را تقویت می‌کند.» (الراغب، ۱۳۸۷) و این همان کارکرد هنری است که در واقع نشان دهنده وحدت آوایی هماهنگ و منسجم با واژه و زیبایی تأثیر آواهای آن بر روان مخاطب است.

۱-۱-۳- تکرار

تکرار از اسلوب‌های علوم معانی و از انواع اطناب است و اغراض مهم آن تاکید و تقریر معنا در نفس مخاطب، طولانی شدن جمله، قصد استیعاب، افزایش ترغیب و تشویق، بزرگداشت مقام مخاطب و لذت بردن از ذکر سخن است. (هاشمی، بی‌تا)

دو واژه «وَجُودٌ» و «يَوْمَئِذٍ» در آیات ۳۸ و ۴۰ تکرار شده‌اند. از آنجا که تکرار در لفظ و معنا است، بر معنای واحدی دلالت دارد لیکن می‌تواند برای مقاصد متفاوتی باشد. تکرار در این آیات، برای تأکید است. از جهتی دیگر، تکرار این واژگان، تناسب آوایی آیات را سبب شده است.

۲-۳- تشخیص

قرآن کریم با جان‌بخشی به اشیاء بی‌جان یا مفاهیم انتزاعی، بر تأثیر کلام خود افزوده است؛ زیرا تشخیص «از زیباترین صور بیانی به حساب می‌آید چرا که به جمادات تشخص، تجسد، زندگی و حرکت می‌بخشد و امور معنوی را به صورت زنده و ملموس به تصویر می‌کشد.» (فاضلی، ۱۳۷۶) در آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳):» هنگامی که آن صدای مهیب (صیحه رستاخیز) بیاید (کافران در اندوه عمیقی فرو می‌روند) «الصَّاحَّةُ» از ریشه «صخ» به معنای صدای کوبنده و وحشتناک است «(ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳: ذیل ماده صخ) و «به معنای صیحه شدیدی است که از شدتش گوش‌ها کر شود، و منظور از آن نفخه صور است» (الطباطبایی، ۱۴۱۷) در این آیه، روز قیامت به شکل یک جاندار یا یک انسان مجسم شده است و فعل «جاء» که به معنی آمدن است، حرکت و پویایی این تصویر را نشان می‌دهد. قرآن کریم با به تصویر کشیدن حرکت و جنبش این واژه، فضای قیامت را ترسیم کرده و با توجه به معنای واژه «الصَّاحَّةُ»، احساس ترس و وحشت را به مخاطب القا کرده است. بنابراین از طریق جان‌بخشی به «الصَّاحَّةُ»، تخیل حسی و حرکت، به عنوان دو عنصر از عناصر تصویرپردازی هنری جلوه‌گر می‌شود. این تصویر معنای حسی، تصویری مفرد است و کارکرد آن به دلیل ایجاد ترس و



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

وحشت، کارکردی روانی است. از سویی دیگر، از واژه «الصاخة» که به قیامت تعبیر شده، کارکرد دینی را می‌توان استنباط نمود. کارکرد هنری این آیه، به دلیل چینش واژگان، سایه کلمات، نوع فاصله و هماهنگی لفظ با معنا مشهود است.

۳-۴- مجاز

برخی واژگان در قالب مجاز به تصویر کشیده شده‌اند؛ «مجاز، روشی است هنری در بیان حقیقت و این روش موجب غنای زبان و رشد و توسعه آن می‌گردد و حالت یکنواختی بیانی را از آن می‌زداید، و در عین حال روشی است تحریک‌کننده خیال مخاطب و تاثیرگذار بر روان او.» (الراغب، ۱۳۸۷) در ادامه نمونه‌های مجاز این سوره را بررسی می‌کنیم:

۳-۳-۱- مجاز مرسل

در آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ (۳۳)»، «کلمه «الصَّاحَّةُ» به معنای صیحه شدیدی است که از شدتش گوشها کر شود، و منظور از آن نفخه صور است. اشاره به شدت و سختی روز قیامت به نحوی که انسان حتی از کسان و نزدیکانش می‌گریزد.» (الطباطبایی، ۱۴۱۷) تصویر خیالی این آیه از مجاز شکل گرفته است. مجاز در این تصویر به این شکل است؛ فعل «جاءت» به «الصَّاحَّةُ» استناد داده شده است. درحالی‌که منظور از «الصَّاحَّةُ» روز قیامت است نه صدای بلند. پس مجاز از نوع مرسل و علاقه آن کلیت است، به عبارتی نشانه قیامت (صدای بلند) آورده شده ولی منظور قیامت بوده است. تصویر معنای حسی صیحه شدید که منظور از آن تصویر معنای انتزاعی مفهوم قیامت است، احساس ترس و وحشت را به مخاطب القا می‌کند. ملاحظه می‌کنیم که قرآن کریم تصویر معنای حسی واژه «الصَّاحَّةُ» را در قالب تصویر معنای انتزاعی مفهوم قیامت ترسیم کرده است؛ گویی با این روش، خیال و اندیشه مخاطب را به احساس و عاطفه او متصل کرده تا پیام خداوند در وی تأثیرگذارتر باشد. بنابراین، بیان از حالت عادی خارج می‌شود و قوه خیال مخاطب را تحریک و ذهنش را فعال می‌کند تا روابط تازه در بیان مجازی را دریابد. زیرا «به وسیله تصویر است که می‌توان مفهومی ذهنی و انتزاعی را برای مخاطب تبیین نمود.» (سیدی، ۱۳۸۷)

۳-۳-۲- مجاز عقلی

در آیات «وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)»، «اسناد خنده و شادی به چهره‌ها، مجاز عقلی است زیرا چهره‌ها محل نمایان شدن خنده و شادی هستند پس آن، اسناد فعل به مکان آن است و می‌توان چهره‌ها را کنایه از خود قرار داد مانند کلام خداوند متعال: «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ [الرَّحْمَنُ: ۲۷]» (ابن عاشور). تصویر معنای حسی خنده و شادی در چهره این دسته از افراد دیده می‌شود و احساس خوشایندی بر مخاطب می‌گذارد و عاطفه او را تحت تأثیر قرار می‌دهد که این همان کارکرد روانی آیه است. به عبارتی کارکرد تصویر در یک متن ادبی، بیدارکردن هرگونه احساس خفته، تمایلات و شور و اشتیاق است. فاصله آیات، آهنگ کلمات، چینش واژگان و هماهنگی لفظ با معنا، کارکرد هنری را نشان می‌دهد.

۴-۴- کنایه

کنایه از صور برجسته و مهم خیال در ادب است؛ «در تحلیل بلاغت و ارزش کنایه، دلایل متعددی را آورده‌اند» (نک: فاضلی، ۱۳۷۶) ولیکن به‌طور کلی می‌توان گفت ارزش هنری آن به دو عامل برمی‌گردد: اول آن‌که در کنایه معنا پوشیده و پنهان است هم‌چون مرورید نهفته در صدف که با مشقت باید بدان رسید و پوشیده سخن گفتن و بیان غیرمستقیم از مشخصات سبک هنری است برخلاف وضوح و تصریح که مربوط به سبک علمی است؛ و نکته دوم آن‌که: کنایه در حقیقت بیان توسط تصویر است، یعنی شکل تعبیر کنایی باعث



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

می‌گردد که معنای موردنظر در ورای همین صورت کنایی نهان گردد و ما از طریق این تصویر بدان برسیم و بی‌شک هر بیان تصویری در حد خود از بیان مستقیم بلیغ و زیباتر است در چند آیه از آیات این سوره، تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت به‌شکل کنایه آورده شده است. در آیات «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴) وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)» در آن روز که انسان از برادر خود فرار می‌کند (۳۴) و از مادر و پدرش (۳۵) و زن و فرزندانش (۳۶) «به شدت روز قیامت اشاره می‌کند، شدت آن روز به حدی است که اطرافیان انسان و نزدیکانش که یک روز طاقت دوری‌شان را نداشت و آنها را یاور و بازوی خود در زندگی می‌پنداشت، و همواره به آنان پناه می‌برد، امروز از همه آنان می‌گریزد، برای اینکه شدت آنچنان احاطه می‌کند که نمی‌گذارد آدمی به یاد چیزی و کسی بیفتد، و اعتنایی به غیر خود کند، حال غیر خودش هر که می‌خواهد باشد، آری بلا و مصیبت وقتی عظیم باشد و شدت یابد، و بر آدمی چیره گردد، آنچنان آدمی را به خود جذب می‌کند که از هر فکر و تلاشی منصرفش می‌سازد.» (الطباطبایی، ۱۴۱۷) در این بخش از سوره، «از روزی سخن می‌گوید که این صدای هراس‌انگیز گوشخراش، هول و هراس آن را به دنبال می‌آورد. هول و هراسی که در این واژه جلوه‌گر می‌آید. همان‌گونه که آثار آن هول و هراس در دل انسان پدیدار می‌شود، انسانی که جز آن از همه چیز بی‌خبر می‌شود.» (قطب، ۱۳۸۷) در این تصویر فرار آدمی از نزدیک ترین انسان‌ها به او را ملاحظه می‌کنیم که به خود مشغول شده است به طوری که هراس از زلزله قیامت مایه از دست رفتن آگاهی و درک آنها شده است و آنها بی‌حرکت در جای خود می‌خکوب شده‌اند. (الراغب، ۱۳۸۷) کنایه در این آیات، شدت وحشت و ترس را نشان می‌دهد؛ کارکرد این تصاویر حسی، به دلیل ایجاد رعب و وحشت در مخاطب، کارکردی روانی است. جنبش و حرکت آدمیان به جهت هراس و سرگردانی است نه به جهت نشاط و سرزندگی. همچنین، به دلیل بیان حوادث و وقوع قیامت، کارکرد دینی آن نیز مشهود است. همچنین، به دلیل هماهنگی فاصله آیات، دقت در گزینش واژگان در ساخت تصویر برای دلالت بر موقعیت‌ها و حالات و معانی، حرکات حروف، ترسیم قرآن کریم در تصویر هنری با آهنگ واژگان و تأثیر آنها بر روان در پرتو نظام حروف از حیث مخارج و ویژگی‌ها و حرکات، هماهنگی واژگان با معانی، کارکرد هنری را می‌توان مشاهده نمود.

در آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ (۳۹)» نیز واژه «ضَاحِكَةٌ» کنایه از شادی است و «مُسْتَبْشِرَةٌ» معنایش شادمانی است. «سین» و «تای» آن برای مبالغه است. (ابن عاشور، ۱۹۸۴) همچنین در آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيَّهَا غَبْرَةٌ (۴۰)» و صورت‌هایی در آن روز غبارآلود است (۴۰) «غَبْرَةٌ» به معنای غباری است که بر روی چیزی می‌نشیند و یا آنچه به رنگ غبار است، اما در اینجا کنایه از گرفتگی چهره به خاطر غم و غصه است. (راغب اصفهانی، ذیل واژه «غبر») قرآن کریم با این تصاویر کنایی، حرکات، حالات و چهره‌های آنها را به زیبایی ترسیم نموده تا تأثیرگذاری این تصاویر در ذهن مخاطب بیشتر باشد.

۳-۵ - استعاره

از عناصر تصویرپردازی مهم دیگری که در این سوره به کار رفته است، استعاره است. «استعاره از کارآمدترین ابزار تخیل و به اصطلاح ابزار نقاشی کلام است.» (شمسیا، ۱۳۷۰) زیرا «عمل وحدت بخشیدن، القا و جانداختن «شبهت یکی بودن» که لازمه کار استعاره است، هم تخیل را برمی‌انگیزد و هم آن را آشکار می‌کند.» (هاوکس، ۱۳۸۶) در آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ» (۳۳)، استعاره به کار رفته است؛ فعل ماضی «جاءت» مستعار منه و فعل مضارع «يجيء» مستعارله است. جامع نیز محقق‌الوقوع بودن روز قیامت است. «آمدن قیامت در آینده» به «آمدن آن در گذشته» تشبیه شده است. سپس جمله از لفظ تشبیه خالی گشته و به شکل استعاره آمده است. «قرآن در برخی صحنه‌ها با برداشتن حائل زمان، گذشته و حال و آینده را به هم پیوند داده و شکاف میان دنیا و آخرت را برداشته، به گونه‌ای که در برخی موارد فرقی میان آن دو را نمی‌بینی، بلکه در مواقعی آخرت را در پیش روی خود حاضر می‌بینیم و دنیا را گذشته و طی شده



ششمین کنگره بین‌المللی تحقیقات بین‌رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

می‌یابیم که این خود در حیات‌بخشیدن به صحنه‌ها و تأثیرگذاری عمیق بر مخاطب بسیار نقش‌آفرین است. «(قطب، ۱۴۰۶) در واقع، قرآن کریم در صحنه‌هایی چند، از حوادثی که در آینده تحقق خواهد یافت (به‌ویژه در حوادث قیامت) با صیغه ماضی یاد نموده است، تا از این راه، وقوع حتمی و قطعی چنین اموری را اعلان دارد.

در آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ» (۴۰) «تَرَهْقَهَا قَتْرَةٌ» (۴۱): و صورت‌هایی در آن روز غبارآلود است (۴۰) و دود تاریکی آنها را پوشانده (۴۱) «واژه «ترهق» به معنای پوشاندن و «قتره» به معنای سیاهی یا تاریکی دود است. (طوسی، ۱۴۰۹) و در این تعبیر، اشاره به سیاهی کفر و معاصی است که همچون دودی سیاه، چهره دوزخیان را می‌پوشاند و آنها را در هاله‌ای از ظلمت‌ها و تیرگی‌ها فرو می‌برد. قرآن کریم واژه «قتره» را از «ترهق» که به معنای «پوشاندن» است، برمی‌گیرد و آن دو را به هم پیوند می‌زند؛ کاربرد استعاری معنای واژه، با بافت آیه ارتباط تنگاتنگی دارد. کارکرد هنری این آیات به دلیل هماهنگی فاصله آیات، دقت در گزینش واژگان در ساخت تصویر برای دلالت بر موقعیت‌ها و حالات و معانی، حرکات حروف، و هماهنگی واژگان با معانی مشهود است.

۳-۶- تجسیم

به تعبیر برخی از مفسران «اعضاء» دلالت بر اعمال نیک نیز خواهد داشت «(قرشی، ۱۴۱۲) با ملاحظه آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفَرَةٌ» (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ» (۳۹) درمی‌یابیم که چهره نیکوکاران که تصویری حسی (تصویری دیداری) است، به شکل تصویری انتزاعی ترسیم شده است و آن «نامه اعمال انسان‌ها» است. به عبارتی، تصویر معنای انتزاعی از درون تصویر معنای حسی بروز یافته است و فهم و درک آیه را آسان نموده است. درباره آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ» (۴۰) «تَرَهْقَهَا قَتْرَةٌ» (۴۱) نیز، چنین می‌توان نتیجه گرفت که چهره‌های غبارآلود و پوشانده از تیرگی که تصویری حسی است، نشان‌دهنده اعمال ناشایست آنها است که تصویری انتزاعی است.

۳-۷- تضاد

در آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفَرَةٌ» (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ» (۳۹) وَ وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ» (۴۰) «تَرَهْقَهَا قَتْرَةٌ» (۴۱) أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ» (۴۲)

این آیات دو چهره‌ای را که سر از افق دنیا برآورده و به قیامت روی آورده‌اند، به دو صورت متقابل که هر یک نمایاننده حالات نفسانی و خوشی‌ها و نگرانی‌های آنها است، چنان تصویر نموده، که گویا اکنون در برابر چشم خیالند، صورت اول نمایاننده خرمی و حرکت و حیات است، صورت دوم نمایاننده پژمردگی و جمود است. (طالقانی، ۱۳۶۲) در آیات فوق، تصویر دو گروه را ملاحظه می‌کنیم که هریک با توجه به نتیجه اعمالشان، شاد و یا غمگینند که این تصاویر حسی، تضاد را در پی دارد. کارکرد این تصاویر، به دلیل توصیف احوال و اوضاعشان، کارکردی روانی است، چرا که نیکوکاران و گناهکاران با مشاهده نتیجه اعمالشان، واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهند. در واقع «این چهار آیه حال دو طایفه را، با بیان حال چهره‌هایشان بیان کرده، چون چهره و قیافه، آینه دل است، هم مسرت درونی در آن جلوه می‌کند و هم اندوه و گرفتاری.» (الطباطبایی، ۱۴۱۷)

۳-۸- تصویر مؤمنان در روز قیامت

قرآن کریم برای تصویرگری حالات مؤمنان واژگان زیبایی را به کار برده است که با بافت متن سازگار است. در تفسیر آیات «وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفَرَةٌ» (۳۸) ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ» (۳۹) گفته شده: «اهل سعادت چهره‌هایی نورانی و درخشان دارند، که فرح و سرور و انتظار آینده‌ای خوش از آن چهره‌ها هویداست، پس معنای «مستبشره» همین است که از دیدن منزلگاه خود که به‌زودی بدانجا منتقل می‌شوند،



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

خوشحالند. (الطباطبایی، ۱۴۱۷) دو واژه «صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ» را بدون حرف عطف آورده است تا نشان دهد که خندان بودن آنها با سرور و شادی جمع شده است. «اینها چهره‌های اهل بهشت هستند که خیالشان آسوده است و حضور و جایگاهشان گرامی داشته شده است.» (ابن عاشور، ۱۹۸۴) تصویر در این آیات، تصویری حسی است. شادی و خنده و سرور در چهره‌های آنان دیده می‌شود. «اسم فاعل دلالت بر حرکت و حدوث و اراده دارد: پیوسته چشمشان بازتر و آینده و بشارت‌های آن بر ایشان نمایان‌تر می‌گردد.» (طالقانی، ۱۳۶۲) از سوی، «آدمی تحت تأثیر تصویر است، چون تصویر بیان امر حسی برای معنا است که به یکباره درک نمی‌شود؛ بلکه درک آن امری تدریجی است.» (سیدی، ۱۳۹۰) کارکرد روانی این آیات به دلیل ایجاد احساس سرور و شادی در مخاطب، کاملاً مشهود است.

۳-۹- تصویر گناهکاران در روز قیامت

وَ وُجُوهُ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (۴۰) تَرَهَّقُهَا قَتْرَةٌ (۴۱) أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجْرَةُ (۴۲) و صورت‌هایی در آن روز غبارآلود است (۴۰) و دود تاریکی آنها را پوشانده (۴۱) آنها همان کافران فاجرند (۴۲)

این چهره‌ها که حرکت و حیات انسانی و قوای نفسانی‌شان از میان رفته و خشک شده، با اوصافی عارضی و جامد و خارج از اراده توصیف شده‌اند. (طالقانی، ۱۳۶۲) به عبارتی تصویر گناهکاران با صورت‌هایی غبارآلود و پوشاننده شده از دود تاریکی گناه ترسیم شده است و در ظلمت و تاریکی گناه به سر می‌برند. «ترهَّقُهَا» فعل مضارعی است که استمرار را نشان می‌دهد؛ یعنی این حالت به صورت مستمر است. (و در جهنم نیز به همین شکل هستند) و «با اسم اشاره آمده تا وضعیتی که آن را برای آنها سبب شده، روشن‌تر کند. و «الْكَافِرَةُ» را با «الْفَجْرَةُ» توصیف کرده با اینکه توصیف کفر بزرگتر از توصیف فسق و فجور است زیرا معنای فسق، پستی کار است؛ آن دو را توصیف نمود تا دال بر اجتماع فساد اعتقاد و فساد عمل باشد. (ابن عاشور، ۱۹۸۴) تصاویر حسی و انتزاعی این چهره‌ها درهم آمیخته شده تا تصویر انتزاعی زبونی و خواری و جمود و پزیردگی کافران فاسق را برای مخاطب ترسیم کند. از این روی، احساس غم و اندوه از چهره‌های کافران ملاحظه می‌شود و این همان کارکرد روانی این آیات است.

۳-۱۰- حرکت

در آیه «فَإِذَا جَاءَتِ الصَّخَابَةُ» (۳۳)، عنصر حرکت، در ترسیم زنده و پویای صحنه قیامت نقش خاصی را ایفا کرده است و این پویایی به شکل تابلویی زیبا هنرنمایی می‌کند.

در آیات «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ (۳۴) وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (۳۵) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (۳۶)»، تصویر معنای حسی فرارکردن انسان‌ها با تصویر معنای انتزاعی ترس همراه شده است؛ فرار انسان‌ها، به خودی خود حرکت و پویایی را ترسیم کرده است. جنبش و حرکت انسان‌ها، به دلیل ترس و هراس و وحشت است؛ گویی «تصویر ترس همراه با فرار و حرکت است و در آن ایست و سکونی وجود ندارد. در این آیه دو تصویر در پی هم آمده است: در ابتدا مردم همانند انسان‌های مست به نظر می‌آیند که در مقابل این مصیبت بزرگ متعجب مانده، جز خودشان به کسی دیگر توجهی ندارند. تصویر دوم، صحنه فرار این افراد از همکاران را نمایش می‌دهد.» (قطب، بی تا) بنابراین، در آیه فوق، دو تصویر معنای حسی و انتزاعی، هر دو در تبیین نقش حرکت و پویایی، جلوه‌گری نموده‌اند. از سوی دیگر، فرار آدمیان، ذهن مخاطب را به تحرک واداشته، خیال او را برمی‌انگیزد.

۳-۱۱- هماهنگی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

با وجودی که حروف و کلمات و جملات و نیز فنون بلاغی قرآن نقش شایانی در تصویرپردازی و آفرینش صحنه‌های زنده و زیبا دارند، اما راز دلربایی قرآن در آن است که همه این عوامل را در کنار هم و در نهایت انسجام و هماهنگی همراه با آهنگ‌ها و ترنم‌هایی دلنشین و نغمه‌های به‌کار گرفته است؛ این نظم شگفت‌آور در قرآن از آنجا سرچشمه می‌گیرد که «خداوند در تنظیم حروف و کلمات و جملات قرآن همان ظرایف و دقایقی را که در تعریف مجموع عالم هستی و خلقت انسان به‌کار برده، اعمال نموده است.» (الرافعی، ۱۳۶۱) با ملاحظه آیات این سوره درمی‌یابیم که آهنگ واژگان با فضای سوره تناسق و هماهنگی دارد. به‌عنوان مثال، واژه «الصاخة» آهنگی تند و گوشخراش دارد و این تصویر حسی که شنیداری است، مفهوم قیامت را بیان می‌کند و در آیات بعد، به توصیف انسان در ساعات برپایی قیامت می‌پردازد؛ فاصله پایانی آیات، هماهنگی ریتم موسیقایی را نشان می‌دهد. همچنین، «گزینش واژگان و چینش آنها با واژگان همگن از مؤلفه‌های فصاحت است.» (ابن اثیر، ۱۳۵۸) از سویی دیگر، هماهنگی از راه تقابل میان دو تصویر را می‌بینیم؛ تقابل میان چهره‌های خندان و شادمان (وجوه یومئذ ضاحکة...)، و تقابل میان چهره‌های غبارآلود و تاریک (وجوه یومئذ غبرة...). به تعبیر سید قطب «تقابل‌های دقیقی در میان تصویرهایی که عبارت‌های قرآنی ترسیم می‌کنند، وجود دارد، و این تقابل خود یکی از روش‌های تصویرسازی و نغمه‌پردازی است و تعابیر قرآن برای ایجاد صحنه‌های خود از طریق واژه‌ها به نحو دقیقی ترسیم می‌کند، بسیار زیاد از این شیوه استفاده می‌کند.» (قطب، ۲۰۰۲) به‌عبارتی «هر جمله‌ای از آیات چنان متناسب با مطالب و معانی است که با هر تغییری در مطلب متغیر و متنوع می‌گردد، این رمز اعجازی قرآن برای کسانی مشهود است که دلداری و دلدادگی‌اند و دستگاه گیرنده گوش و دریابنده دل را یکسره تسلیم مقامات آیات نمایند: إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ (۳۷). قطعاً در این [عقوبت‌ها] برای هر صاحب‌دل و حق‌نوشی که خود به گواهی ایستد، عبرتی است.» (طالقانی، ۱۳۶۲) تناسق و هماهنگی واژگان با معنی، هماهنگی با چینش عبارت، هماهنگی واژه با فضای تصویر اعم از آهنگ، سایه و تقابل، زیبایی تصاویر را دوچندان کرده است. بنابراین، تناسق و هماهنگی آیات این سوره کاملاً در راستای هدف دینی خداوند متعال است و آن رساندن هدف دینی یعنی مفهوم قیامت به مخاطب و تأثیرگذاری بر او است.

دست‌آورد

تصویرآفرینی که ابزار برتر اسلوب بیانی در قرآن کریم است، در ترسیم زنده و گویای حقایق و مفاهیم گوناگون و توصیف حالات انسان‌ها و ترسیم تابلوهای زیبا و شگرف نقش به‌سزائی داشته و در احساس و اندیشه مخاطب، تأثیرگذار بوده است. در این مقاله که تصویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس مورد بررسی قرار گرفته است، یافته‌های زیر حاصل شد:

در پاسخ به پرسش اول می‌توان گفت که تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس به‌صورت عناصر تصویری همچون موسیقی، تشخیص، مجاز، کنایه، استعاره، تجسیم، تضاد، تصویر مؤمنان در روز قیامت، تصویر گناهکاران در روز قیامت، حرکت و هماهنگی جلوه‌گر شده است. گاه بعضی از تصاویر معنای انتزاعی از درون تصاویر معنای حسی بروز یافته، سبب درک و فهم مفهوم قیامت شده است. این تصاویر در تبیین مهم‌ترین مؤلفه دین یعنی قیامت، نقش به‌سزایی دارند و هر کدام با عملکرد خود در القای پیام دینی خداوند متعال به مخاطب، تأثیرگذار بوده است.

پاسخ پرسش دوم این است که بسامد تصاویر معنای حسی بیشتر از تصاویر معنای انتزاعی است و این بدین سبب است که تصاویر حسی برای انسان‌ها ملموس‌تر و محسوس‌تر است و در نتیجه قابل درک‌تر.



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

در پاسخ به پرسش سوم نیز می‌توان گفت کارکرد تصاویر معنای حسی و انتزاعی مفهوم قیامت در سوره عبس عبارت است از: کارکرد دینی، کارکرد عقلانی، کارکرد هنری و کارکرد روانی. بسامد این کارکردها نیز، کارکرد هنری است. هدف اساسی تصویر در قرآن کریم، همان تحقق کارکرد دینی است و محور کارکردهای تصویری است که تماماً پیرامون آن در جریان است و از چارچوب آن خارج نمی‌شود؛ در این پژوهش، مفهوم انتزاعی قیامت، همان کارکرد دینی است و محور دیگر کارکردهای تصویری است.

منابع:

قرآن کریم

ابن اثیر، ضیاء الدین (۱۳۵۸ق) المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر، تحقیق: محمد محبی‌الدین عبدالحمید، القاهرة.

ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد (۱۹۸۴م)، التحریر و التنویر، تونس، الناشر: الدار التونسیه للنشر.

ابن فارس، أحمد (۱۳۹۹ق) معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الفکر.

ابن طباطبا العلوی، محمد بن أحمد (۱۹۵۶م) عیار الشعر، تحقیق: طه الحاجری و محمد زغلول سلام، القاهرة: المكتبة التجارية الكبرى.

اقبالی، عباس (۱۳۸۸ش) «تصویرهای شنیداری در معلقات سبع»، مجله زبان و ادبیات عربی، شماره ۱، صص ۲۵-۴۰.

اندرخور، وحیده (۱۳۹۵ش) معناشناسی آوایی الفاظ توصیفی قیامت در قرآن کریم، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، گروه الهیات.

البستانی، صبحی (۱۹۸۶م) الصورة الشعرية فی الكتابة الفنية، أصول و فروع، بیروت: دارالفکر.

جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۱۸ق)، البیان و التبیان، الطبعة السابعة، القاهرة: مكتبة الخانجي.

خالدی، صلاح عبدالفتاح (۱۴۲۱ق) إعجاز القرآن البیانی، عمان: دار عمار.

حسن، عباس (۱۹۹۸م) خصائص الحروف العربية و معانیها، بیروت: اتحاد الكتاب العرب.

الرافعی، مصطفی صادق (۱۳۶۱ش) اعجاز قرآن و بلاغت محمد، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، چاپ دوم، تهران: بنیاد قرآن.

الراغب، أحمد عبدالسلام (۱۳۷۸ش) کارکرد تصویر هنری در قرآن، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ اول، تهران: نشر سخن.

رجایی، نجمه (۱۳۸۲) شعر و شرر، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

سیدی، سید حسین (۱۳۸۷ش) مؤلفه‌های تصویر هنری در قرآن، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز - پیاپی ۲۷ - تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۰۵-۱۱۶.

----- (۱۳۹۰ش) زیباشناسی آیات قرآن، چاپ اول، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

طالقانی، سید محمود (۱۳۶۲ش)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.

الطباطبائی، السید محمدحسین (۱۴۱۷ق) المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته‌ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

الطوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق) التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: احیاء التراث العربی.

فاضلی، محمد (۱۳۷۶ش) دراسة و نقد فی مسائل بلاغیة هامة، مشهد: دانشگاه فردوسی.

فتوحی، محمد (۱۳۸۶ش) بلاغت تصویر، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.

فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۵) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها، چاپ سوم، تهران: انتشارات سخن.

الفیروزآبادی، مجدالدین أبوظاهر (۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م) القاموس المحيط، بإشراف: محمد نعیم العرقسوسی، الطبعة الثالثة، بیروت: مؤسسه الرساله للطباعة و النشر و التوزیع.

قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق) قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

قطب، سید بن ابراهیم شاذلی (۱۴۲۵ق) التصوير الفنی فی القرآن، مصر: دار الشروق.

----- (۱۹۸۸م) فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.

----- (۱۴۰۶ق) مشاهد القیامه، بیروت: دار الشروق.

عبدالتواب، صلاح‌الدین (۱۹۹۵م) الصورة الأدبیة فی القرآن الکریم، القاهرة: لونیجمان، الطبعة الأولى.

علی‌الصغیر، محمدحسین (۱۴۱۲ق) الصورة الفنیة فی المثل القرآنی، بیروت: دار المؤرخ العربی.

غنیمی هلال، محمد (۲۰۰۵م) النقد الأدبی الحدیث، مصر: دار النهضة.

مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۴ش) تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة.

هاوکس، ترنس (۱۳۸۶ش) استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.

یاسوف، أحمد (۱۳۸۸ش) زیباشناسی واژگان قرآن، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، تهران: انتشارات سخن.



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی

Abstract

One of the beautiful and magnificent manifestations of the Holy Quran is that it uses all methods, including imagery, for the dynamics of concepts and facts, and creates beautiful and original images from solid and soulless words. The Holy Qur'an, by drawing perspectives, sensual and spiritual states, penetrates the depths of the audience's soul and affects his imagination, thought and conscience. The concept of resurrection is one of the important abstract concepts in the Holy Quran, which has always been explored by researchers. In this research, we aim to use library tools and descriptive-analytical methods to analyze the image of the sensory and abstract meaning of the concept of resurrection in Surah Abs and to answer these questions that the manifestation of images of sensory meaning and How abstract is the concept of resurrection in Surah Abs, and what is the function of these images and what is their frequency? Is the frequency of sensory images more or abstract? The result shows that the images of the sensual and abstract meaning of the concept of resurrection in Surah Abs are manifested in visual elements such as permission, irony, metaphor, visualization, etc., and the function of these images is artistic, psychological, intellectual and It is a religion that the frequency of these functions is artistic function; Also, the frequency of sensory images is higher.



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی



ششمین کنگره بین المللی تحقیقات بین رشته ای در علوم انسانی اسلامی، فقه، حقوق و روانشناسی